Mashreq- e Mouood
Mahdism Scientific-Research Quarterly
Online ISSN: 2717-2015
Print ISSN: 2423-7663
Nineteenth year, No 77, Fall 2025

An Analysis of Imam Baqir's Narration on the Preparation of Iranians for the Reappearance of Imam Mahdi (PBUH)

Dr. Mohammadreza Javaheri [1]

Abstract

In an authentic hadith from Abu Khalid Kabuli from Imam Muhammad Baqir PBUH), the stages of the emergence and uprising of the right-seekers of the East from their emergence to victory and stability have been predicted. The content of this authentic hadith is consistent with two hadiths of the Prophet (PBUH) narrated by Abdullah bin Masoud and the Prophetic hadith from Abdullah Ibin Hares Zobedi. The consistency of these three hadiths reveals the spiritual continuity of the hadith. Evidence and indications of the possibility of applying this hadith to the Islamic Revolution of Iran have been shown in this study. The East and the East in the hadiths of the Prophet and the Ahl al-Bayt (PBUH) are Iran. This hadith introduces an emergence and uprising of the right-seekers in the East, an uprising that paves the way for the emergence of Imam Mahdi (PBUH) and submits and presents the government and power to the Imam Zaman (PBUH). The holy revolution and the prelude to the emergence that is completely Mahdist and the leader and the people know their movement in the direction of the emergence is the Islamic Revolution of Iran. No uprising like the Iranian uprising and Islamic Revolution in the human world has revived Mahdism and prepared the conditions for the emergence. Of course, with all the reasons given in this research for the adaptation, the matter is still in the form of probability and possibility.

Keywords: Imam Baqir(PBUH), Hadith, Islamic Revolution of Iran, East

1. Associate Professor, Department of Islamic Studies, Ferdowsi Mashhad University, Mashhad, Iran(javaheri@ferdowsi.um.ac.ir)

مشـــرق موعود
فصلنامـه علمـی - پژوهشـی مهدویـت
شاپا چاپی : 2423-7663
شاپا الکترونیک : 2717-2015
دوره نوزدهم/ شماره ۳ (پیاپی ۷۷) / پائیز ۱٤۰٤

بررسی روایت امام باقر علیه‌السلام درباره زمینه‌سازی ایرانیان برای ظهور امام مهدی علیه‌السلام *

محمدرضا جواهری [۱]

چکیده

در حدیث صحیحی از ابوخالد کابلی از امام محمدباقر علیه‌السلام مراحل خروج و قیام حق‌طلبان مشرقی از پیدایش تا پیروزی و پایداری پیش‌بینی شده است. محتوای این حدیث صحیح با دو حدیث پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله به نقل عبدالله بن مسعود و حدیث نبوی از عبدالله بن حارث زبیدی هماهنگ است. هماهنگی این سه حدیث، تواتر معنوی حدیث را آشکار می‌کند. شواهد و قرائن امکان تطبیق این حدیث با انقلاب اسلامی ایران در این پژوهش نشان داده شده است. مشرق و شرق در احادیث نبوی و اهل‌بیت علیهم‌السلام ایران است. این حدیث خروج و قیامی حق‌طلبانه در مشرق را معرفی می‌کند؛ قیامی که زمینه‌ساز ظهور امام مهدی علیه‌السلام است و حکومت و قدرت را به امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تسلیم و تقدیم می‌نماید. انقلاب مقدس و مقدمه ظهور که کاملاً مهدوی باشد، و رهبر و مردم حرکت خویش را در راستای ظهور بدانند انقلاب اسلامی ایران است. هیچ قیامی همانند قیام و انقلاب اسلامی ایران در جهان بشری مهدویت را زنده نکرده و شرایط را برای ظهور فراهم ننموده است. البته باهمه دلایلی که در این تحقیق برای تطبیق آمده است درعین‌حال مطلب به‌صورت احتمال و امکان هست.

واژگان کلیدی

امام باقر علیه‌السلام، حدیث، انقلاب اسلامی ایران، مشرق.

مقدمه

احادیث ملاحم و مغیبات فراوانی از اهل‌بیت علیهم‌السلام براساس علم ویژه الهی که از آینده داشته‌اند صادر شده است. حدیث ابو خالد کابلی از امام محمدباقر علیه‌السلام یکی از این احادیث است. این حدیث صحیح در منابع معتبر حدیثی شیعه ذکر شده است. تاکنون پژوهشی درباره سند و متن و دلالت این حدیث و تحلیل محتوای آن انجام نشده و شواهد و قرائن تطبیق آن بر انقلاب ایران اسلامی ایران بیان نشده است.

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳ ؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۹/۱۱

۱. دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران(javaheri@ferdowsi.um.ac.ir).

ضرورت دارد پژوهش مناسب درباره این حدیث امام باقر علیه‌السلام صورت گیرد. هدف این مقاله توصیف و تحلیل همین حدیث و استنباط حقائق موجود در آن است. آینده‌نگری و آینده‌پژوهی انقلاب اسلامی براساس احادیث ملاحم اهل‌بیت علیهم‌السلام، نقش مهمی در افزایش بصیرت و امیدواری انقلابیون در ایران و جهان دارد.

متن حدیث

محمد بن ابراهیم بن جعفر کاتب نعمانی معروف به ابن ابی‌زینب در قرن چهارم هجری در کتاب الغیبة حدیثی را با سند صحیح از امام باقر علیه‌السلام آورده است. بعید نیست و احتمال دارد این حدیث بر مراحل انقلاب اسلامی ایران و سرنوشت و آینده آن تطبیق گردد. متن حدیث چنین است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُبْنُ مُحَمَّدِبْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ اَلْحَسَنِ عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِبْنِ اَلْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَبْنِ عُمَرَ اَلْحَلَبِيِّ عَنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ اَلْكَابُلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه‌السلام أَنَّهُ قَالَ: كَأَنِّي بِقَومٍ قَد خَرَجوا بِالمَشرِقِ يَطلُبونَ اَلحَقَّ فَلا يُعطَونَهُ، ثُمَّ يَطلُبونَهُ فَلا يُعطَونَهُ، فَإِذا رَأَوا ذلِكَ وَضَعوا سُيوفَهُم عَلى عَواتِقِهِم، فَيُعطَون ما سَأَلوهُ فَلا يَقبَلونَهُ حَتّى يَقوموا، ولا يَدفَعونَها إلاّ إلى صاحِبِكُم. قَتلاهُم شُهَداءُ، أما إنّي لَو أدرَكتُ ذلِكَ لاَستَبقَيتُ نَفسي لِصاحِبِ هذَا الأَمرِ (نعمانی، ۱۴۰۳ق، ص. ۱۸۲)؛

گویی قومی را می‌بینم که در مشرق خروج کرده‌اند. حق را مطالبه می‌کنند و می‌خواهند پس به آنان داده نمی‌شود، سپس دوباره حق را مطالبه می‌کنند ولی به آنان نمی‌دهند. هنگامی‌که وضع را این‌گونه دیدند شمشیرهای خود را بر شانه‌هایشان می‌گذارند. در این زمان آنچه را طلب کرده‌اند به آنان می‌دهند، پس آنان نمی‌پذیرند تا این‌که برمی‌خیزند و قیام کنند و آن را جز به صاحب شما نمی‌دهند. کشته‌های آنان شهیدند، آگاه باشید اگر من آن زمان را درک کنم جانم را برای صاحب این امر نگه می‌دارم.

به نظر می‌رسد این حدیث به‌اختصار مراحل انقلاب اسلامی ایران از آغاز تا انجام را بیان کرده است.

بررسی سند حدیث

حدیث مسند است و همه رجال سند امامی، ثقه و مورد اعتماد می‌باشند؛ بنابراین حدیث صحیح هست. آیت‌الله حسین نوری همدانی بر این واقعیت تصریح نموده‌اند. ایشان در درس خارج کتاب البیع در بحث از این حدیث گفته‌اند: خبر سنداً صحیح است(مدرسه فقاهت، درس خارج فقه بحث ولایت‌فقیه، کتاب البیع، ۱۳۹۴/۱۱/۲۰).

در سلسله سند این حدیث هشت راوی قرار دارند که تمام آنها شناخته‌شده‌اند و در کتب رجالی تأییدشده و مورداطمینان‌اند.

در سند روایت چنین آمده است:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُبْنُ مُحَمَّدِبْنِ سَعِيدٍ قَالَ حَدَّثَنِي عَلِيُّ بْنُ اَلْحَسَنِ عَنْ أَخِيهِ مُحَمَّدِبْنِ اَلْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَحْمَدَبْنِ عُمَرَ اَلْحَلَبِيِّ عَنِ اَلْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى عَنْ مُعَمَّرِ بْنِ يَحْيَى بْنِ سَامٍ عَنْ أَبِي خَالِدٍ اَلْكَابُلِيِّ.

احمد بن محمد بن سعید بن عبدالرحمن معروف به ابن عقده حافظ، ثقه و مورد تأیید است. ابوالعباس احمد بن علی نجاشی در وصف او می‌نویسد:

هذا رجل جليل فی اصحاب الحديث مشهور بالحفظ... و عظم محله و ثقته و امانته له كتب (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۹۴؛ موسوی خوئی، ۱۴۰۳ق، ج۲، صص. ۶۳-۶۴)

این مردی جلیل در اصحاب حدیث است. مشهور به حفظ است... جایگاه بزرگ او و ثقه بودن او و امانت‌داری او شناخته‌شده است، برای اوکتاب‌هایی است.

شیخ طوسی در وصف او نوشته است: امره فی الثقة و الجلالة و عظم الحفظ اشهر من أن یذکر (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص. ۷۲) امر او در مطمئن بودن و جلالت و بزرگی حفظ مشهورتر از این است که ذکر شود.

علی بن حسین بن علی بن فضال به گزارش شیخ طوسی ثقه است و کتاب‌هایی در فقه داشته است. (طوسی، ۱۴۱۷ق، ص. ۱۵۶) نجاشی نیز درباره او نوشته است:

كان فقيه اصحابنا بالكوفة و وجههم و ثقتهم و عارفهم بالحديث و المسموع قوله فيه سمع منه شيئاً كثيراً و لم يعثر له على ذله فيه و لا ما يشينه (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۲۵۷)؛

فقیه اصحاب ما در کوفه بود شخصیت و چهره برجسته آنان و ثقه آنان و عارف آنان به حدیث و کسی که قول او در حدیث شنیده شده است بود از او احادیث زیادی شنیده شده و لغزشی برای او در حدیث و چیزی که به وثاقت او صدمه بزند پیدا نشده است.

محمد بن حسن صفار قمی صاحب کتاب ***بصائر الدرجات*** ثقه و مورد اعتماد است. نجاشی نوشته است:

كان وجها فی اصحابنا القميين، ثقه، عظيم القدر، راجحاً (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۳۵۴)؛

چهره و شخصیت بارز در اصحاب قمی ما بوده مورد اعتماد، عظیم القدر و برتر است.

حسن بن علی فضال ثقه و مورد اعتماد است. حلی در تعریف او نوشته است:

ممدوح معظم... کان خصیصاً بالرضا علیه‌السلام جلیل القدر عظیم المنزله زاهدا ورعاً له کتب(حلی، ۱۳۴۲، ص. ۱۱۴)؛
ستایش شده و بزرگ شمرده شده... از اصحاب خاص امام رضا علیه‌السلام، جلیل‌القدر، بزرگ جایگاه، زاهد و با ورع بود. برای او کتاب‌هایی است.

احمد بن عمر بن أبی شعبه حلبی ثقه و مورد اعتماد است. علامه حلی نوشته است:

ثقه روی عن أبی الحسن الرضا علیه‌السلام (حلی، ۱۴۰۲ق، ص. ۲۰)؛
مورد اعتماد است و از امام رضا علیه‌السلام روایت نموده است.

حسین بن موسی ثقه و مورد اعتماد است (نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۴۵).
معمر بن یحیی بن سلام ثقه و مورد اعتماد هست. نجاشی نوشته است:

ثقه، متقدم، روی عن أبی جعفر و أبی عبدالله علیهماالسلام له کتاب(نجاشی، ۱۳۶۵، ص. ۴۲۵).
مورد اعتماد، پیشگام است از امام باقر و صادق علیهماالسلام روایت کرده است برای او کتابی است.
ابو خالد کابلی نامش وردان و لقب او کَنکَر بود؛ ثقه و مورد اعتماد است از حواریون امام سجاد علیه‌السلام بوده است، ابو صباح کنانی گفته است شنیدم امام باقر علیه‌السلام فرمود:

خدم ابو خالد کابلی علی بن الحسین علیهماالسلام دهراً من عمره(کشی، ۱۳۶۳، ج۱، ص. ۳۳۷).
ابو خالد کابلی روزگاری از عمرش را در خدمت علی بن الحسین علیهماالسلام گذراند.

نقل حدیث امام باقر علیه‌السلام از سوی محدثان

حدیث امام باقر علیه‌السلام با همین سلسله سند و روایان و همین الفاظ و متن، در کتاب‌های علمای امامیه از قرن چهارم تا قرن پانزدهم هجری قمری و معاصران آمده است.
علامه مجلسی در ***بحارالانوار*** (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۲، ص. ۲۴۳) و نعمت‌الله بن عبدالله جزائری در ***ریاض الأبرار فی مناقب الائمة الاطهار*** علیهم‌السلام (جزائری، ۱۴۲۷ق، ج۳، ص. ۱۷۴) و در ***الانوار النعمانیه*** (جزائری، ۱۴۲۹ق، ج۲، ص. ۵۱) و علی یزدی حائری در ***الزام الناصب فی اثبات الحجة الغائب*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (یزدی حائری، ۱۴۲۲ق، ج۲، ص. ۱۳۳) و محسن امین در ***اعیان الشیعه*** (امین، ۱۴۲۱ق، ج۲، ص. ۷۷) و کامل سلیمان در کتاب ***یوم الخلاص فی ظل القائم المهدی*** علیه‌السلام (سلیمان، ج۱، ص. ۵۷۰) و علی کورانی عاملی در ***عصر الظهور*** (کورانی، ۱۴۲۵ق، ص. ۱۷۱ و ۲۲۲) و در کتاب ***المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (کورانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۴۹۴) و در ***السیرة النبویة عند اهل البیت*** علیهم‌السلام (کورانی، ۱۴۳۵ق، ص. ۶۲ و ۱۰۵) و حسینعلی منتظری در کتاب ***دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة*** (منتظری، ۱۴۱۵ق، ج۱، ص. ۲۳۸) و در ***نظام الحکم فی***

الاسلام (منتظری، ۱۳۸۰، ص. ۹۴) و وسام برهان البلداوی در کتاب ***تیجان الولاء فی شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء*** (بلداوی، ۱۴۳۳ق، ج۲، ص. ۳۹۵) و محمد امیر ناصری و محمدعلی تسخیری در کتاب ***الاحادیث المشترکه حول الامام المهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (ناصری، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۵۴) و محمد محمدی ری‌شهری در کتاب ***اهل‌بیت*** علیهم‌السلام ***در قرآن و حدیث*** (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۷، ص. ۱۰۴۲) و ***دانش‌نامه امام مهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر پایه قرآن و حدیث و تاریخ (محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۳، ج۶، ص. ۴۵؛ ج۷، ص. ۴۵۳) و ***حکمت‌نامه بسیج*** (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۷، ص. ۴۵) این حدیث را آورده‌اند.

شایان‌ذکر است که همه این مؤلفان با نگاه مثبت و به‌عنوان حدیث صحیح به این حدیث نگاه کرده‌اند.

جایگاه کتاب الغیبة نعمی

کتاب الغیبه از آثار بسیار مهم شیعه و از قدیمی‌ترین کتاب‌ها در مسئله غیبت و ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است. کتاب از ابوعبدالله محمد بن جعفر کاتب نعمانی از شاگردان برجسته محمد بن یعقوب کلینی صاحب الکافی و کاتب وی و از راویان بزرگ شیعه امامیه بوده است.

برای دست‌یابی به منابع ارزنده حدیث سفرهای فراوانی رفت. فهرست‌نویسان شیعه از کتاب الغیبة یاد کرده‌اند (شیخ آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۸ق، ج۱۶، ص. ۷۹؛ شیخ آقابزرگ طهرانی، بی‌تا، ج۲، ص. ۶۵) نجاشی در وصف او نوشته است:

> **شیخ من اصحابنا عظیم القدر، شریف المنزله، صحیح العقیده، له کتب(نجاشی، ۱۳۶۸، ص. ۳۸۳)؛**
>
> شیخی از اصحاب ماء عظیم القدر، دارای جایگاه شریف، با عقیده درست است. برای او کتاب‌هایی است.

محتوای حدیث در حدیث پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله

مضمون و محتوای این حدیث امام باقر علیه‌السلام در روایات دیگر نیز وجود دارد و این خود شاهد اعتبار و اهمیت این حدیث است.

عبدالله بن مسعود گفته است:

> ما در حضور پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله بودیم جوانانی از بنی‌هاشم آمدند چون پیامبر خدا به آنان نگاه کرد رنگ چهره آن حضرت تغییر کرد و دیدگان آن حضرت اشک‌آلود شد. گفتیم: ای رسول خدا ما در چهره شما اثر اندوه می‌بینیم، چه اتفاقی رخ‌داده است؟ پیامبر فرمود: إِنَّا أَهْلُ بَيْتٍ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَى الدُّنْيَا، وَ إِنَّ أَهْلَ بَيْتِي سَيَلْقَوْنَ

بَعْدِي بَلَاءً وَ تَشْرِيدًا وَ تَطْرِيدًا، حَتَّى يَأْتِيَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ مَعَهُمْ رَايَاتٌ سُودٌ، فَيَسْأَلُونَ الْخَيْرَ، فَلَا يُعْطَوْنَهُ، فَيُقَاتِلُونَ فَيُنْصَرُونَ، فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا، فَلَا يَقْبَلُونَهُ، حَتَّى يَدْفَعُوهَا إِلَى رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَيَمْلَؤُهَا قِسْطاً، كَمَا مَلَئُوهَا جَوْرًا، فَمَنْ أَدْرَكَ ذَلِكَ مِنْكُمْ، فَلْيَأْتِهِمْ وَ لَوْ حَبْوًا عَلَى الثَّلْجِ. ما اهل بیتي هستیم که اختیار فرموده خدا از برای ما آخرت را بر دنیا، و بدرستی که اهل بیت من زود باشد که بیافتند در بلا و رانده گردند در اطراف تا بیایند قومی از قبل مشرق و با ایشان پرچم‌های سیاه باشد، پس ایشان سؤال از حق کنند پس ندهند آن را، پس مقاتله کنند و یاری داده شوند پس اعطا کنند آنچه طلبند، پس قبول نکنند تا دفع کنند آن را به مردی از اهل بیت من، پس پر کند زمین را از قسط و عدل همچنان که پر شده باشد از جور، پس آنکه ادراك کند پس هریک از شما آن زمان را درک کند پس باید خود را به ایشان برساند و اگر چه لازم باشد که با سینه روی برف راه برود.

محتوای این حدیث عبدالله بن مسعود از پیامبر خدا ﷺ با محتوای سخن امام باقر علیه‌السلام خیلی نزدیک است. عامه و زیدیه در گزارش این حدیث پیشگام بوده‌اند. این حدیث را نخستین بار ابن ماجه قزوینی در کتاب سنن خود در قرن سوّم آورده است (ابن ماجه، ۱۴۱۸ق، ج۲، ص. ۵۳۹). این کتاب یکی از شش منبع حدیثی اهل‌سنت است که در نزد عامه از اعتبار برخوردار هست. همچنین در همین قرن در کتاب البلدان ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق همدانی مشهور به ابن الفقیه آمده است (ابن الفقیه، ۱۴۱۶ق، ص. ۲۲) این حدیث در الاربعون حدیثا فی المهدی از حافظ ابونعیم احمد اصفهانی در قرن پنجم وجود دارد (اصفهانی، ۱۴۴۰ق، ص. ۸۶) محب الدین طبری شافعی در قرن هفتم در کتاب ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی همین حدیث را نقل کرده است (طبری، ۱۴۲۸ق، ج۱، ص. ۷۶) جلال‌الدین سیوطی شافعی نیز در قرن نهم در کتاب العرف الوردی فی الاخبار المهدی حدیث را ثبت نموده است (سیوطی، ۱۳۸۵، ص. ۹۳). علاءالدین متقی بن علی هندی در قرن دهم در کتاب کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال حدیث را آورده است (متقی هندی، ۱۴۱۹ق، ج۱۴، ص. ۱۱۹، ح ۳۸۶۷۴). در قرن سیزدهم نیز در کتاب ینابیع المودة لذوی القربی از سلیمان بن ابراهیم قندوزی آمده است (قندوزی، ۱۴۲۲ق، ج۱، ص. ۴۰۷). علمای امامیه نیز این حدیث نبوی را در آثار خود آورده‌اند. نخستین بار ابوجعفر محمد بن جریر بن رستم طبری در قرن پنجم در کتاب دلائل الامامة ثبت کرده است (طبری، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۲) سپس سید بن طاووس در قرن هفتم در کتاب التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن یا الملاحم و الفتن فی ظهور الغائب المنتظر علیه‌السلام نوشته است (سیدبن طاووس، ۱۳۸۵، ص. ۱۱۸ و ۳۱۴) در همین قرن

ابوالحسن علی بن عیسی بن ابوالفتح اربلی در کتاب کشف الغمة فی معرفة الأئمة علیهم‌السلام گزارش کرده است. (اربلی، ۱۳۸۱ق، ج۲، ص. ۴۷۸) قاضی نورالله شوشتری شهید ثالث در قرن دهم در کتاب احقاق الحق و ازهاق الباطل این حدیث را آورده است (تستری، ۱۴۰۹ق، ج۲۹، ص. ۱۸۵) در قرن یازدهم علامه محمدباقر مجلسی در بحارالانوار این حدیث را نقل کرده است (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۱، ص. ۸۷). لطف‌الله صافی گلپایگانی در کتاب منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر علیه‌السلام در قرن پانزدهم نیز همین حدیث را درج نموده است (صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ق، ج۲، ص. ۷۰). از علمای زیدیه ابوجعفر محمد بن سلیمان کوفی در قرن سوم هجری در کتاب مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه‌السلام این حدیث را نقل کرده است (کوفی، ۱۴۲۳ق، ج۲، ص. ۱۱۰). با در کنار هم قرار دادن این حدیث نبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله و حدیث امام باقر علیه‌السلام با توجّه به تقارب مفهومی، درجه اعتبار بالای حدیث آشکار می‌گردد.

حدیث انقلاب شرقی زمینه‌ساز ظهور

در حدیث نبوی دیگر از انقلاب موطئون انقلاب حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف یاد شده است. این حدیث را عامه و خاصه در آثار حدیثی و تاریخی خویش ذکر کرده‌اند. عبدالله بن حارث بن جزء بیدی گفته است پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: یخرج ناس من المشرق فیوطئون للمهدی سلطانه (ابن ماجه قزوینی، ۱۴۱۸ق، ج۲، ص. ۳۶۸، ح ۴۰۸۸؛ حموینی جوینی شافعی، ۱۴۰۰ق، ج۲، ص. ۳۲۲؛ اربلی، ۱۳۸۱ ق، ج۲، ص. ۴۷۷؛ گنجی شافعی، ۱۴۰۴ ق، ج۱، ص. ۴۹۰؛ ابن خلدون، بی‌تا، ج۱، ص. ۳۲۱؛ ابن کثیر، ۱۴۰۹ ق، ج۱۹، ص. ۶۰؛ سیوطی، ۱۳۸۵، ص. ۹۵؛ متقی هندی، ۱۴۱۹ ق، ج۱۴، ص. ۱۱۸، ح ۳۸۲۵؛ مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۱، ص. ۸۷؛ تستری، ۱۴۰۹ ق، ج۱۳، ص. ۲۲۱؛ قندوزی، ۱۴۲۲ ق، ج۲، ص. ۲۴۶ و ج۴، ص. ۳۷۲؛ حر عاملی، ۱۴۲۵ ق، ج۵، ص. ۲۲۷ و ۲۵۳؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۹ ق، ج۲، ص. ۳۱۹) مردمی از مشرق قیام می‌کنند زمینه را برای حکومت و قدرت مهدی فراهم می‌آورند. این حدیث سخن از انقلاب زمینه‌ساز ظهور است. کلمه یوطئون در این روایت وجود دارد و به معنای آماده‌سازی است. العین نوشته است: وطّأت لک الامر اذا هیأته (فراهیدی، ۱۴۰۹ ق، ج۷، ص. ۴۶۷) النهایة فی غریب الحدیث والاثر حقیقت توطئه را آماده‌سازی می‌داند: حقیقتة من التوطئه و هی التمهید و التذلیل (ابن اثیر جزری، ۱۳۶۷، ج۱، ص. ۵۳) مجمع البحرین و مطلع النیرین نیز همین معنی را آورده است. التوطئه التذلیل و التمهید (طریحی، ۱۳۷۵، ج۱، ص. ۴۴۲). کلمه سلطان به معنای غلبه و تسلط و قدرت و حجت است (ابن منظور، ج۷، ص. ۳۲۱؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج۴، ص. ۲۵۵)

حدیث صریح است در بیان انقلاب اسلامی در شرق که در غیبت کبرای امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف پدید می‌آید. این انقلاب حق و مقدس و الهی است، چون مهدویت را باور دارد و یک حرکت بزرگ در راستای ظهور و تشکیل حکومت مهدوی در جهان است.

تحلیل محتوای حدیث امام باقر علیه‌السلام

روایت با کأنّی بقوم قد خرجوا بالمشرق آغاز شده است. واژه «کأنّی» بیان‌گر رخداد قطعی در آینده است و آینده را به‌صورت حتمی پیش‌بینی می‌کند. علی کورانی عاملی در تبیین این کلمه در حدیث نوشته است:

> **هو یدل علی انه حدث من وعد الله المحتوم یعبّر عنه النّبی صلی‌الله‌علیه‌وآله و الأئمّة ب«کانی بالشئ الفلانی او الامر الفلانی» یعنی یقینهم به کانّهم یرونه بل یدّل علی رؤیتهم له بالبصیرة التی خصّهم الله بها(کورانی، ۱۴۲۶ق، ص. ۴۹۵)؛**
>
> دلالت می‌کند بر این‌که پدیده ی خروج، از وعده حتمی الهی است پیامبر و ائمه از آن به کانی بالشی الفلانی او الامر تعبیر می‌کنند یعنی یقین آنان به این‌که گویا آن را می‌بینند بلکه بر دیدن آنان با بصیرتی که خداوند آنان را به آن اختصاص داده دلالت می‌کند.

کلمه «خرجوا» از ماده خروج است. خروج در لغت به معنای بیرون آمدن برابر دخول است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج۴، ص. ۱۵۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج۲، ص. ۲۳۵؛ طریحی، ۱۳۷۵، ج۱، ص. ۵۰۱) در اصطلاح به معنای خارج شدن برای اجرای کار بسیار مهم است و قیام و انقلاب را شامل می‌شود.

واژه مشرق در احادیث زیادی به‌کار رفته است. منظور از مشرق در این روایت کجاست؟ بی‌شک مقصود محل طلوع خورشید نیست که محل طلوع در هرجایی با جای دیگر متفاوت است و مقصود منطقه شرقی عربستان که در شرق مدینه قرار دارد نیز نیست بلکه مقصود منطقه‌ای خاص و شناخته‌شده هست و در این حدیث ایران اسلامی شیعی است. یکی از حدیث‌پژوهان مهدوی اهل لبنان در ارتباط با مشرق در این حدیث می‌گوید: واضح است که مقصود از قومی از مشرق، ایرانی‌ها هستند و این امر متسالم علیه و موردپذیرش در نزد اصحابی که حدیث را روایت کرده و تابعین که از اصحاب گرفته‌اند و نسل‌های بعدی بوده است به‌گونه‌ای که یکی از آنان نگفته است مقصود از قوم مشرقی اهل ترکیه فعلی یا اهل افغانستان یا اهل هند باشند بلکه گروهی از امامان حدیث و مؤلفان گفته‌اند که منظور اهل فارس و ایرانی‌ها هستند. پس تفسیر وهابیون به اهل افغانستان و طالبان به‌دور از فهم عموم مسلمانان است (کورانی عاملی، ۱۴۲۶ ق، ص. ۴۹۵)

ناظم الاسلام کرمانی پس از این‌که حدیث امام باقر علیه‌السلام از ابوخالد کابلی را نقل کرده و به‌صراحت لفظ مشرق را به ایرانیان ترجمه نموده می‌نویسد:

در این خبر لفظ مشرق را به ایرانیان ترجمه نمودم به علت آنکه امام می‌فرماید آنچه از این گروه کشته می‌شوند شهید شده‌اند و این جمله قرینه بلکه صریح است به آنکه مراد از مشرق آن مشرقی است که شیعیانش آنجا می‌باشند (ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۲۹ ق، ص. ۹۷).

مراد از مشرق در روایت، مشرق عربستان یعنی ایران است علت انطباق مشرق با ایران علیرغم این‌که کشورهای دیگری جز ایران در شرق عربستان قرار دارند روایت مسند صحیح دیگری از امام باقر علیه‌السلام است. معروف بن خربوذ گفته است:

ما دخلنا علی ابی جعفر الباقر علیه‌السلام قط الا قال: خراسان خراسان سجستان سجستان کانه یبشرنا بذلک(نعمانی، ۱۴۰۳ق، ص. ۲۷۳)؛

هیچ‌گاه خدمت امام باقر علیه‌السلام نرسیدیم مگر آن‌که فرمود: خراسان خراسان سجستان سجستان گویا در این سخن بشارت و مژده‌ای به ما می‌داد . براساس این روایت می‌توان گفت امام باقر علیه‌السلام قومی را که از مشرق خروج می‌کنند و زمینه‌ساز ظهور امام زمان‌اند را بر مردم خراسان و سیستان‌که دو استان مهم ایران در آن زمان بوده تطبیق کرده‌اند(علم الهدی، ۱۳۹۹ق، ص. ۲۶۹).

محتوا و سیاق حدیث نشان‌دهنده این است که قوم مشرقی شیعه‌اند، امامت امام باقر علیه‌السلام را پذیرفته‌اند، به امامت و غیبت و ظهور امام مهدی علیه‌السلام اعتقاد دارند و امام مهدی علیه‌السلام را صاحب‌الامر می‌دانند و این حقائق در کره زمین تنها بر ایران و ملت ایران تطبیق می‌کند.

مشرق در حدیث نبوی که عبدالله بن مسعود نقل کرده است و در حدیث نبوی که عبدالله بن حارث نقل کرده است نیز وجود دارد این اسم مهدی در هر دو حدیث به‌صراحت و وضوح، بر پیوند انقلاب قوم شرقی با مهدویت تأکید می‌کند. این مطلب هم شاهدی بر تطبیق مشرق بر ایران اسلامی شیعی مهدوی است.

در جمله «یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه» کلمه حق یک‌بار تصریح شده و یکبار هم با ضمیر یاد شده است و این روشنگر این واقعیت است که هدف قیام و خروج و انقلاب مذکور در متن حدیث، حق است و بنابراین یک انقلاب مقدس و حق‌طلبانه و الهی و انقلاب مثبت و مطلوب اهل‌بیت علیهم‌السلام است.

جمله «لا یدفعونها الا الی صاحبکم» سرنوشت و سرانجام خروج و قیام قوم شرقی را بیان

می‌کند. هدف آنان زمینه‌سازی برای ظهور قائم آل محمد علیهم‌السلام است. ضمیر موجود در عبارت «لایدفعونها» ضمیری مؤنث است که به کلمه حق برنمی‌گردد بلکه به حکومت و قدرت بر خواهد گشت که از معنا استخراج شده است. این انقلاب شکست‌ناپذیر است پس از پیروزی پایدار می‌ماند تا انقلاب جهانی مهدوی که حکومت و قدرت را به ایشان می‌رساند. صاحبکم در این حدیث صاحب عصر و امر جهان است. صاحب مخاطبان حدیث که شیعیان و پیروان اهل‌بیت علیهم‌السلام بوده‌اند حضرت مهدی علیه‌السلام هست. در این جمله آینده انقلاب بر حق مردم مشرق بیان شده است. آنان در خروج و قیام پیروز می‌شوند و در قدرت قرار می‌گیرند و حکومت را به هیچ‌کس جز صاحب زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف نمی‌دهند. جمله «قتلاهم شهداء» دلیلی بر قداست و ارزش انقلاب مردم مشرق است، چون امام تمام کشتگان این خروج و قیام را شهید می‌دانند. شهید کسی است که آگاهانه و فی سبیل الله در صحنه نبرد حضور می‌یابد و درراه خدا کشته می‌شود.

در حدیث جمله «اما انی لو ادرکت ذلک لاستبقیت نفسی لصاحب هذا الامر» وجود دارد. در تفسیر این فراز حدیث امکان دارد گفته شود امام باقر علیه‌السلام فرموده‌اند اگر من آن زمان بودم با رهبر آن انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور همکاری می‌کردم و امکان دارد منظور از صاحب‌الامر امام مهدی علیه‌السلام باشد؛ به این معنی که تلاش می‌کنم تا زنده باشم و حکومت حضرت مهدی علیه‌السلام را نیز درک کنم. در هر دو صورت این جمله حدیث، شاهد دیگری بر قداست و ارزشمندی آن خروج و قیام هست. امام باقر علیه‌السلام از آن حرکت راضی است و دوست دارد رهبر آن را یاری نماید و دوست دارد در آن زمان باشد و در آن خروج و قیام شرکت نماید و همچنین زنده بماند و در سپاه صاحب اصلی حکومت در جهان بشری که امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است قرار گیرد.

دولت صفویه

این خروج و قیام را برخی معاصران دولت صفویه، بر آن حکومت تطبیق نموده‌اند. مشرق را ایران دانسته‌اند اما منظور از حدیث را حکومت صفویه شمرده‌اند. علامه مجلسی پس از نقل حدیث می‌نویسد:

> **لایبعد ان یکون اشارة الی الدولة الصفویة شیدها الله تعالی و وصلها بدولة القائم علیه‌السلام (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج۵۲، ص. ۲۴۳)؛**
> بعید نیست که حدیث اشاره به دولت صفویه باشد که خدای متعال آن دولت را پایدار بدارد و به دولت قائم عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف متصل کند.

علامه مجلسی در کتاب فارسی اثبات رجعت نیز همین تطبیق را انجام داده است(مجلسی، ۱۳۸۶، ص. ۲۵).

نعمت‌الله جزائری نیز نوشته است:

> **لایخفی علی اهل البصائر انه لم یخرج من المشرق سوی ارباب السلسلة الصفویه و هو الشاه اسماعیل اعلی الله مقامه فی دارالمقامة و قوله علیه‌السلام لایدفعونها الا علی صاحبکم المراد به القائم علیه‌السلام فیکون فی الحدیث اشارة الی اتصال دولة الصفویه بدولة المهدی علیه‌السلام فهم الذین یسلمون الملک له عند نزوله بلا نزاع و جدال(جزائری، ۱۴۲۹ق، ج۲، ص. ۵۱)؛**
>
> بر اهل بصیرت‌ها مخفی نیست که از مشرق غیر از ارباب سلسله صفویه و او شاه اسماعیل است خارج نشده است و سخن امام لایدفعونها الا الی صاحبکم مراد از آن قائم علیه‌السلام است پس در این حدیث اشاره است به اتصال دولت صفویه به دولت مهدی علیه‌السلام زیرا آنان کسانی‌اند که حکومت را هنگام نزول حضرت مهدی علیه‌السلام بی‌نزاع و جدال به ایشان تسلیم می‌کنند.

این نظر و این تطبیق واقعیت ندارد، چون دولت صفویه سقوط کرده است و اکنون انقلاب اسلامی پدید آمده و پیروز شده و پایدار است. هیچ حرکتی در طول تاریخ در عصر غیبت به‌اندازه انقلاب اسلامی ایران با مهدویت پیوند نداشته است. هیچ قیامی در جهان به‌قدر انقلاب اسلامی ایران زمینه‌ساز انقلاب مهدوی نیست. احتمال این‌که منظور از حکومت پایدار زمینه‌ساز ظهور دولت جمهوری اسلامی ایران باشد بسیار زیاد هست.

انقلاب اسلامی ایران

احتمال دارد حدیث امام باقر علیه‌السلام پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران باشد. برخی عالمان همین احتمال را داده‌اند و حدیث را بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق نموده‌اند. حسینعلی منتظری پس از نقل این حدیث در بحث مشروعیت قیام الهی قبل از ظهور می‌گوید:

> **دلالة الخبر ایضاً علی حدوث ثورة و قیام قبل القائم علیه‌السلام و کونه قیام حق واضحه(منتظری، ۱۴۱۵ ق، ج۱، ص. ۲۳۹)؛**
>
> دلالت این خبر نیز بر پیدایش انقلاب و قیام قبل از قائم علیه‌السلام و این‌که آن قیام حق است واضح و روشن هست.

وی پس از ذکر این حدیث و چند حدیث دیگر می‌نویسد: یحتمل انطباق مفاد هذه الاخبار علی الثورة الاسلامیة الواقعة فی ایران کما لا یخفی(منتظری، ۱۴۱۵ق، ص. ۲۳۹) احتمال انطباق مفاد این اخبار به انقلاب اسلامی که در ایران واقع شده پنهان نیست.

حسین عبید القریشی در کتاب اسئله مهدویه تتعلق بعصر الظهور الشریف اجاب عنها پس از نقل حدیث می‌نویسد:

هذا الحدیث صحیح السند و معناه ان اهل المشرق او الایرانیین یخرجون علی حاکمهم الظالم ثم یطلبون حقهم من العالم مرتین فلایعطونه فیهددون بالحرب و یضعون اسلحتهم علی عواتقهم فیعطون ما طلبوا فلا یقبلونه حتی یقوموا ای یثوروا(القریشی، ۱۴۳۴ق، ص. ۴۲)؛

این حدیث سند صحیح دارد و معنای آن این است که اهل مشرق یا ایرانی‌ها بر حاکم ستمگرشان خروج می‌کنند سپس حقشان را دوبار از جهان می‌خواهند به آنان نمی‌دهند پس تهدید به جنگ می‌کنند و اسلحه‌شان را برشانه‌های‌شان می‌گذارند آنچه را می‌خواهند به آنان می‌دهند ولی نمی‌پذیرند تا این‌که قیام می‌کنند یعنی انقلاب می‌کنند.

علی کورانی نیز این حدیث را بر انقلاب اسلامی ایران تطبیق می‌کند(کورانی، ۱۴۲۵ق، ص. ۱۷۱، ص. ۱۷۳ و ص. ۱۷۹). محمد محمدی ری‌شهری در ارتباط با این حدیث نوشته است:

با توجّه به‌ظاهر حدیث، تطبیق آن بر این وقایع محتمل است: قیام ملت ایران در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، قیام ۲۲ بهمن ۱۳۵۷، اظهار توبه رژیم گذشته و تسلیم خواسته‌های مردم در آخرین لحظات، سرنگونی رژیم تنها خواسته مردم، پیروزی قیام ملت ایران علیه رژیم شاهنشاهی، تحقق جمهوری اسلامی، تداوم جمهوری اسلامی تا انقلاب جهانی مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف، درگیری‌ها برای استقرار انقلاب، جهاد فی سبیل الله، کشته‌های آن شهیدند، پیروزی انقلاب اسلامی در نزدیکی ظهور مهدی تحقق می‌یابد(محمدی ری‌شهری، ۱۳۹۵، ج۷، ص. ۴۵۵).

آیت‌الله حسین نوری همدانی در درس خارج فقه تاریخ ۱۳۹۴/۱۱/۲۰ بعد از ذکر این حدیث می‌گوید:

خبر سندا صحیح است و مضمونش مشخص است و حتی بر انقلاب اسلامی ایران نیز قابل تطبیق هست(نوری همدانی، ۱۳۹۴).

احمد علم الهدی در تطبیق این حدیث نوشته است:

امام باقر علیه‌السلام از وقوع قیامی پیش از ظهور خبر می‌دهند و در ضمن آن را تأیید می‌کنند. روایت از جمله روایاتی است که دلالت صریح و روشنی بر پیش‌بینی انقلاب اسلامی ایران توسط امام باقر علیه‌السلام دارد(علم الهدی، ۱۳۹۹، ص. ۲۶۹).

انقلاب اسلامی زمینه‌ساز ظهور در بیان امام خمینی رحمه‌الله‌علیه

به حکم جمله «لایدفعونها الا الی صاحبکم» مردم مشرقی در این خروج و قیام پیروز می‌شوند و حکومت آنان زمینه‌ساز ظهور امام زمان علیه‌السلام است، حکومت و قدرت را به دست می‌آورند و تا ظهور قدرت را در اختیاردارند و با ظهور حکومت را تسلیم امام مهدی علیه‌السلام می‌نمایند. این فراز از حدیث پیش‌بینی قطعی خروج و قیام مشرقی است و آینده انقلاب اسلامی ایران را بیان می‌کند. آینده‌پژوهان انقلاب اسلامی می‌توانند از این فراز حدیث در آینده‌نگری انقلاب اسلامی استفاده نمایند .در هر انقلابی بهترین منبع شناخت اهداف انقلاب، گفتار رهبر انقلاب است. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه انقلاب اسلامی و حکومت اسلامی را هدف نمی‌دانند بلکه آن را مقدمه ظهور می‌شناسند و قدرت و حکومت را امانت در دست ملت مسلمان ایران می‌دانند تا در انقلاب جهانی مهدوی برسانند.

امام خمینی رحمه‌الله‌علیه در ۱۲ تیر ۱۳۵۸ در سخنرانی در قم می‌گویند:

> از خداوند متعال مسئلت می‌کنم که ظهور ولی‌عصر سلام‌الله‌علیه را نزدیک فرماید و چشم‌های ما را به جمال مقدسش روشن، ما همه انتظار فرج داریم و باید در این انتظار خدمت بکنیم. انتظار فرج انتظار قدرت اسلام است و ما باید کوشش کنیم تا قدرت اسلام در عالم تحقق پیدا بکند و مقدمات ظهور ان‌شاءالله تهیه شود(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۸، ص. ۳۷۴).

در سخنرانی در ۳۱ فروردین ۱۳۶۰ در حسینیه جماران گفتند:

> این کشوری که کشور ائمه هدی و کشور صاحب‌الزمان سلام‌الله‌علیه است، کشوری باشد که تا ظهور موعود ایشان به استقلال خودش ادامه بدهد، قدرت خودش را در خدمت آن بزرگوار قرار بدهد که عالم را ان‌شاءالله به عدل و داد بکشد و از این‌جورهایی که به مستضعفان می‌گذرد جلوگیری کند(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۴، ص. ۳۰۹).

در ۱۰ مرداد ۱۳۶۰ در پیام روز جهانی قدس از انتظار منتهی شدن این انقلاب به انقلاب مبارک امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف سخن گفته‌اند:

> امید است که این انقلاب جرقه و بارقه‌ای الهی باشد که انفجاری عظیم در توده‌های زیر ستم ایجاد نماید و به طلوع فجر انقلاب مبارک حضرت بقیة‌الله ارواحنا لمقدمه الفداء منتهی شود(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۵، ص. ۶۳).

در سخنرانی ۳ آذر ۱۳۶۰ در جماران صاحب اصلی این انقلاب را امام مهدی علیه‌السلام دانسته و

قدرت را امانتی که باید به ایشان برسد:

من امید دارم که این کشور با همین قدرت که تا این‌جا آمده است و با همین تعهد و با همین بیداری که از اول قیام کرده است و تا اینجا رسانده است باقی باشد این نهضت و این انقلاب و قیام تا صاحب اصلی ان‌شاءالله بیابد و ما و شما و ملت ما امانت را به او تسلیم کند(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۵، ص. ۳۸۵).

در پیام رادیوتلویزیونی عید نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۱، انقلاب اسلامی ایران را مقدمه برای ظهور می‌شمارند:

> امیدوارم که این انقلاب یک انقلاب جهانی شود و مقدمه برای ظهور حضرت بقیةالله ارواحنا له الفداء باشد(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۶، ص. ۱۳۱).

در سخنرانی ۱۴ فروردین ۱۳۶۱ بر تلاش برای رسیدن جمهوری اسلامی به زمان ظهور تاکید کرده‌اند:

> امیدوارم که این جمهوری اسلامی ان‌شاءالله برسد به مقامی که خودش را برساند به زمان ظهور امام زمان علیه‌السلام (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۶، ص. ۱۷۴).

در ۸ اردیبهشت ۱۳۶۱ در جماران از اهمیت اتصال جمهوری اسلامی به زمان ظهور سخن گفته‌اند:

> خداوند این جمهوری اسلامی را که برای خدا دارند کار می‌کنند و این ملت در آن برای خدا قیام کرده است و به پیش می‌رود تا این‌که این جمهوری اسلامی متصل بشود به زمان ظهور حضرت سلام‌الله‌علیه(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۶، ص. ۲۳۰).

در ۴ خرداد ۱۳۶۱ در جمع ائمه جمعه فرمودند:

> سعی کنید مطالعه کنید که در خطبه‌های‌تان چه می‌خواهید بگوئید. امیدوارم اسلام به دست شما منتشر شود تا مقدمه‌ای شود برای ظهور حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۶، ص. ۲۶۱).

در سخنرانی عید نوروز ۱ فروردین ۱۳۶۴ نیز بر ضرورت رد امانت به امام زمان علیه‌السلام تصریح نموده‌اند:

> من امیدوارم که خدای تبارک‌وتعالی به ما توفیق بدهد که ما بتوانیم به این مقصدی که مقصد انبیاست برسیم و ما ان‌شاءالله باهم باشیم و این قافله را باهم به منزل برسانیم و این امانت را به صاحب امانت رد کنیم(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۱۹، ص. ۲۰۹).

در پیام دوم فروردین ۱۳۶۸ انقلاب اسلامی ایران را نقطه شروع انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند:

> مسئولان ما باید بدانند که انقلاب ما محدود به ایران نیست. انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت ارواحنافداه است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان منت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۲۱، ص. ۳۲۷).

در تاریخ غیبت کبری قیامی نبوده است که به‌صراحت رهبر و مردم اعلام کنند برای زمینه‌سازی ظهور امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قیام کرده‌اند. امام خمینی رحمه‌الله‌علیه بارها تصریح نمود که انقلاب اسلامی مقدمه برای ظهور ولی‌عصر علیه‌السلام است. انقلابی که رهبری آن خود را فدایی امام زمان علیه‌السلام بداند تنها انقلاب اسلامی است. انقلابی که قدرت را امانت برای سپردن به صاحب امانت صاحب امر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف دیده است انقلاب اسلامی ایران است. این حقیقت نیز قرینه‌ای برای تطبیق حدیث امام باقر علیه‌السلام بر انقلاب اسلامی ایران است.

مراحل انقلاب اسلامی ایران

بخشی از حدیث امام باقر علیه‌السلام به مراحل خروج و قیام مشرقی اختصاص دارد. در جمله «یطلبون الحق فلا یعطونه ثم یطلبونه فلا یعطونه فاذا رؤا ذلک وضعوا سیوفهم علی عواتقهم فیعطون ما سألوه فلا یقبلونه حتی یقوموا» واقعیت‌هایی در ارتباط با انقلاب اسلامی اهل شرق بیان شده است. دو بار حرکت می‌کنند و حق را می‌خواهند اما به آنان نمی‌دهند، در مرحله سوّم سلاح‌هایشان را بر شانه‌هایشان می‌گذارند، پس حاکمان حاضر می‌شوند آنچه را می‌خواهند به آنان بدهند، آنان نمی‌پذیرند تا این‌که قیام می‌کنند و پیروز می‌شوند و قدرت را به دست می‌گیرند.

علی کورانی عاملی می‌گوید امکان دارد منظور از این مراحل، نهضت مشروطیت به رهبری علما و نهضت ملی شدن نفت به رهبری آیت‌الله کاشانی و انقلاب اسلامی سال ۵۷ به رهبری امام خمینی باشد سپس تفسیر دومی ارائه می‌کند که منظور از این بخش حدیث انقلاب اسلامی ایران در سال ۵۷ و مراحل پس از آن تاکنون باشد(کورانی عاملی، ۱۴۲۵ق، صص. ۲۲۳-۲۲۲).

به‌گونه‌ای دیگر می‌توان این مراحل را گزارش کرد. مرحله اوّل قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲ بوده است که مردم نابودی سلطنت پهلوی و برقراری حکومت اسلامی را خواستار شدند و رژیم مردم را قتل‌عام کرد و حق را به آنان نداد. مرحله دوّم قیام ۱۹ دی ۱۳۵۶ که مردم به دفاع از امام

خمینی رحمه‌الله‌علیه و حکومت الهی برخاستند و شهید شدند و حق را به آنان ندادند و سرانجام در سال ۱۳۵۷ به صحنه آمدند و با عقب‌نشینی رژیم به دستور شاه زندانیان سیاسی آزاد شدند و تقویم سلطنتی به تقویم هجری خورشیدی بازگشت و برخی سرسپردگان به رژیم پهلوی همانند امیرعباس هویدا که مدت ۱۳ سال از سال ۱۳۴۳ تا ۱۳۵۶ نخست‌وزیر بود و ارتشبد نعمت‌الله نصیری که ۱۳ سال ریاست ساواک را برعهده داشت دستگیر و زندانی شدند و مطبوعات آزاد شد و شاه در ۱۴ آبان ۱۳۵۷ از صداوسیما توبه‌نامه خواند و سوگند یادکرد که خطاها تکرار نشود و انقلاب ملت ایران را پذیرفت.

در آن توبه‌نامه نوشت:

> شما ملت ایران علیه ظلم و فساد و بی‌قانونی به‌پا خاستید و من به شما حق می‌دهم که در مقابل اینها قیام کنید. انقلاب ملت ایران نمی‌تواند مورد تأیید من به‌عنوان پادشاه ایران و به‌عنوان فرد ایرانی نباشد... ادامه وضعیت کشور دیگر برای مردم قابل تحمل نیست... اشتباهات، فشار و اختناقی در گذشته در کشور بود که دیگر نمی‌گذاریم تکرار شود. من به نام پادشاه شما سوگند خورده‌ام که تمامیت ارضی مملکت، وحدت ملی و مذهب شیعه اثنی عشری را حفظ کنم و بار دیگر در برابر ملت ایران، سوگند خود را تکرار می‌کنم و متعهد می‌شوم خطاهای گذشته دیگر تکرار نشود و خطاهای گذشته را جبران کنم... من نیز پیام انقلاب شما را شنیدم و آنچه را که شما برای به دست آوردن آن قربانی داده‌اید تضمین می‌کنم.

با این همه کاری که رژیم و شاه در پذیرش خواسته‌های مردم انجام دادند، رهبر انقلاب امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و مردم نپذیرفتند و قاطع و فراگیر و استوار به صحنه آمدند و جبهه انقلاب حکومت سلطنتی را به نبرد مسلحانه تهدید کرد و انقلاب به پیروزی رسید و مرحله تسلیم کردن حکومت و قدرت جمهوری اسلامی به صاحب امر حضرت مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف باقی مانده است. جمله «وضعوا سیوفهم علی عواتقهم» جریان سال ۵۷ در دی و بهمن و اسفند را گزارش می‌کند که امام خمینی رحمه‌الله‌علیه و مردم مسلمان ایران آماده نبرد مسلحانه شدند. انقلاب اسلامی ایران همواره دشمن را تهدید به جنگ مسلحانه کرد اما هرگز جنگ مسلحانه برپا نشد. تنها تهدید به جنگ مسلحانه و استعداد آن وجود داشت، این جمله از حدیث هم از گذاشتن سلاح‌ها بر شانه‌ها یاد می‌کند و همان تهدید به جنگ مسلحانه را نشان می‌دهد. نکته دیگری که روایت موردبحث را قابل تطبیق بر انقلاب اسلامی ایران می سازد همین تعبیر امام باقر علیه‌السلام درباره نحوه حمل سلاح توسط صاحبان قیام است که فرمود: «وضعوا سیوفهم علی عواتقهم». عواتق جمع عاتق به

معنای شانه است. از یک‌سو نحوه حمل شمشیر در گذشته این بوده که آن را دست می‌گرفتند یا بر کمر می‌بستند و از سوی دیگر گذاشتن شمشیر بر روی شانه مرسوم نبوده است. بنابراین به نظر می‌رسد مراد از سیوف در بیان امام تفنگ است که امروزه سربازان در مثل رژه آن را بر روی شانه خود قرار می‌دهند . شاید وجه استفاده امام از کلمه سیوف آشنا نبودن مخاطبان حضرت با تفنگ بوده است.اما این‌که چرا امام از عنوان کلی سلاح که قابل تطبیق بر ابزارآلات مختلف جنگی است استفاده نکردند به خاطر این است که سلاح بر اعم از سلاح فردی و جمعی قابلیت تطبیق دارد اما سیف سلاح دستی و فردی است . انقلاب اسلامی ایران با اقدامات مسالمت‌آمیز و راهپیمائی های مردمی و مشت‌های برافراشته به پیروزی رسید سلاح ها بر دستان و شانه ها قرار گرفت اما خشونت و خون‌ریزی و جنگ مسلحانه اتفاق نیفتاد و این امتیاز انقلاب ایران در مقایسه با انقلاب‌های فرانسه و شوروی و چین است.

امام خمینی رحمه‌الله در فرانسه بارها در پاسخ خبرنگارانی‌که از جنگ مسلحانه می‌پرسیدند از امکان آن در آینده خبر می‌دادند. خبرنگار تلویزیون سی بی اس آمریکا در ۱۵ آبان ۱۳۵۶ در فرانسه از امام خمینی رحمه‌الله پرسید:

> چگونه می‌خواهید شاه را برکنار کنید؟ با قیام مسلحانه یا با قرار دادن ارتش در کنار مردم؟ چگونه؟ امام پاسخ دادند: ما امیدواریم احتیاجی به قیام مسلحانه نیفتد و با همین اعتصابات و تظاهرات و اظهار انزجار ملت، مسائل حل شود... لکن اگر این شکل مبارزات ملت مفید واقع نشود و لازم آمد یک‌طور دیگر عمل شود ممکن است ما تجدیدنظر کنیم(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۴، ص. ۳۳۱).

خبرنگار هفته‌نامه انگلیسی ساندی تلگراف در مصاحبه ۱۷ آبان ۱۳۵۷ فقط یک سؤال پرسید:

> در صورت بروز جهاد مسلحانه چه گروه‌هایی از مردم را می‌توان در آن به‌حساب آورد؟ امام چنین پاسخ دادند: ما امیدواریم که مسائل ایران بدون قیام مسلحانه، با همین نهضتی که اکنون تمام اقشار ایران را فراگرفته است و با همین فشارهایی که ملت بر شاه وارد می‌کند حل شود اگر چنانچه حاصل نشد و احتیاجی به قیام مسلحانه پیدا شد، تمام اقشار ملت در آن شرکت خواهند کرد و یک طبقه معینی در آن انحصار نخواهد داشت(موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۴، ص. ۳۷۹).

همین محتوا را در مصاحبه با خبرنگاران برزیلی و انگلیسی و تایلندی و ژاپنی و آمریکایی در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۴، ص. ۴۱۰ و ۴۱۱)، خبرنگار رادیوتلویزیون

هلنـد در مصـاحبه ۱۸ آبـان ۱۳۵۷ (موسـوی خمینـی، ۱۳۹۳، ج۱۴، ص. ۴۱۶) و در مصـاحبه بـا خبرنگاران آلمانی و فرانسوی و ایتالیایی و اسپانیایی در ۱۹ آبان ۱۳۵۷ (موسوی خمینی، ۱۳۹۳، ج۴، ص. ۴۳۲) اعلام نموده‌اند. در واقع شمشیرها آماده شد و بر شانه‌ها باقی ماند و حکم جهاد صادر نشد و قیام و جنگ مسلحانه همچنان تهدید دائمی باقی ماند و هرگز اتفاق نیفتاد.

نتیجه‌گیری

به نظر می‌رسد که احتمال تطبیق حدیث امام باقر علیه‌السلام بر انقلاب اسلامی ایران قوی و زیاد است. شواهد و قرائن آن در این پژوهش بیان شد.

بررسی سندی حدیث نشان داد سند حدیث امام باقر علیه‌السلام صحیح است و دو حدیث نبوی نیز هماهنگ و هم‌افق با آن وجود دارد و این می‌رساند که عامه و خاصه چنین رویکرد حدیثی دارند. مشرق به نظر محققان، ایران است و قیام مردم مشرقی ایران هم‌راستا با گزارش حدیث حق‌طلبانه است و این قداست و ارزشمندی قیام را روشن می‌کند. مراحل ذکرشده در حدیث بر انقلاب ایران قابل تطبیق است و محتوای حدیث با ماهیت انقلاب اسلامی ایران موافق است. انقلاب اسلامی ایران تنها انقلاب بزرگ برحق در عصر غیبت است که اهل‌بیت علیهم‌السلام و پیروان آنان و منتظران ظهور آنرا پذیرفته و از آن خرسند می‌باشند. انقلاب ایران تنها انقلابی است که بیش از هر خروج و حرکتی در تاریخ جهان در زمینه‌سازی ظهور تلاش کرده و می‌کند. ملت ایران مهدوی و کشور ایران کشور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف است و رهبر و مردم حکومت و قدرت را امانت برای حکومت امام مهدی علیه‌السلام، و انقلاب اسلامی را مقدمه انقلاب جهانی مهدوی می‌دانند و بی‌شک و به‌طورقطع و یقین با ظهور امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف حکومت و قدرت را به ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف تسلیم و تقدیم می‌کنند و در سپاه ولی‌عصر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف قرار خواهند گرفت.

منابع

- ابن اثیر جرزی، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷). ***النهایة فی غریب الحدیث و الاثر***. قم: مؤسسة مطبوعاتی اسماعیلیان.
- ابن خلدون، عبدالرحمن (بی‌تا). ***العبر و دیوان المبتدأ و الخبر فی ایام العرب و البربر و من عاصرهم من ذوی الشأن الاکبر***. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- ابن فقیه، احمدبن محمد. (۱۴۱۶ق). ***البلدان***. بیروت: عالم الکتب.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر. (۱۴۱۹ق). ***البدایة و النهایة***. مصر: مرکز البحوث و الدراسات العربیة و الاسلامیة بدار هجر.

- ابن ماجه، ابوعبدالله محمدبن یزید. (۱۴۱۸ق). ***السنن***. بیروت: دارالجلیل.
- ابن‌منظور، محمدبن مکرم بن علی. (۱۴۱۴ق). ***لسان العرب***. بیروت: دارصادر.
- ابومعاش، سعید. (۱۴۳۰ق). ***الامام المهدی علیه‌السلام فی القرآن و السنة***. مشهد: آستان قدس رضوی.
- اربلی، علی بن عیسی. (۱۳۸۱ق). ***کشف الغمة فی معرفة الائمه علیهم‌السلام***. تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی. تبریز: بنی‌هاشمی.
- اصفهانی، حافظ ابونعیم احمدبن عبدالله (۱۴۴۰ق). ***الاربعون حدیثا فی المهدی***. تحقیق: علی جلال باقر. قم: مؤسسة آل‌البیت علیهم‌السلام لاحیاء التراث.
- امین، سیدمحسن. (۱۴۲۱ق). ***اعیان الشیعه***. تحقیق: حسن امین. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- بلداوی، وسام برهان. (۱۴۳۳ق). ***تیجان الولاء فی شرح بعض فقرات زیارة عاشوراء***. کربلا: العتبة الحسینیة المقدسه.
- تستری، قاضی نورالله. (۱۴۰۹ق). ***احقاق الحق و ازهاق الباطل***. قم: مکتبة آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی.
- جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله. (۱۴۲۷ق). ***ریاض الابرار فی مناقب الأئمة الاطهار علیهم‌السلام***. بیروت: مؤسسة التاریخ العربی.
- جزائری، نعمت‌الله بن عبدالله. (۱۴۲۹ق). ***الانوار النعمانیه***. بیروت: دارالقاری.
- حر عاملی، محمدبن حسن بن علی (۱۴۲۵ق). ***اثبات الهداة بالنصوص و المعجزات***. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- حلی، تقی‌الدین حسن بن علی بن داوود. (۱۳۴۲). ***الرجال***. تصحیح: محمدصادق بحرالعلوم. تهران: دانشگاه تهران.
- حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۰۲ق). ***رجال العلامة الحلی***. تصحیح: محمدصادق بحرالعلوم. قم: الشریف الرضی.
- حموینی جوینی شافعی، صدرالدین ابراهیم بن مؤید. (۱۴۰۰ق). ***فرائد السمطین فی فضائل المرتضی و البتول و السبطین و الأئمة من ذریتهم علیهم‌السلام***. بیروت: مؤسسه المحمودی.
- سلیمان، کامل. (بی‌تا). ***یوم الخلاص فی ظلل القائم المهدی علیه‌السلام***. بیروت: دارالکتاب اللبنانی.
- سیدبن طاووس، رضی الدین علی بن موسی. (۱۳۸۵). ***الشریف بالمنن فی التعریف بالفتن***. قم: مؤسسه فرهنگی صاحب الامر عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف.
- سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن بن ابی‌بکر. (۱۳۸۵). ***العرف الوردی فی الاخبار المهدی***.

تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة.
- صافی گلپایگانی، لطف‌الله. (۱۴۱۹ق). ***منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر*** علیه‌السلام. قم: مؤسسه السیرة المعصومه علیهم‌السلام.
- طبری آملی صغیر، محمدبن جریر بن رستم. (۱۴۱۳ق). ***دلائل الامامة***. قم: بعثت.
- طبری، محب‌الدین. (۱۴۲۸ق). ***ذخائر العقبی فی مناقب ذوی القربی***. قم: دارالکتب الاسلامی.
- طریحی، فخرالدین محمد. (۱۳۷۵). ***مجمع البحرین و مطلع النیرین***. تهران: مرتضوی.
- طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۱۷ق). ***فهرست کتب الشیعه و اصولهم و اسماء المصنفین و اصحاب الاصول مشهور به الفهرست***. تحقیق: شیخ جواد قیومی اصفهانی، قم: مؤسسة نشر الفقاهه.
- طهرانی، شیخ آقابزرگ. (بی‌تا). ***طبقات اعلام الشیعه***. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- علم الهدی، احمد. (۱۳۹۹ق). ***مشروعیت قیام در عصر غیبت امام عصر*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. مشهد: انتشارات حوزه علمیه خراسان.
- فراهیدی، خلیل ابن احمد. (۱۴۰۹ق). ***کتاب العین***. قم: نشر هجرت.
- قریشی، حسین عبید. (۱۴۳۴ق). ***اسئلة مهدویة تتعلق بعصر الظهور الشریف اجاب علیها***. قم: باقیات.
- قندوزی، سلیمان بن ابراهیم. (۱۴۲۲ق). ***ینابیع المودة لذوی القربی***. قم: دارالاسوة للطباعة و النشر.
- کشی، محمدبن عمر. (۱۳۶۳). ***اختیار معرفة الرجال المعروف برجال الکشی***. تصحیح: مهدی رجایی. قم: مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۲۵ق). ***عصر الظهور***. تهران: دارالهدی.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۳۵ق). ***شمس خلف السحاب اعداد مسلم خاطری***. قم: باقیات.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۳۶ق). ***المعجم الموضوعی لاحادیث الامام المهدی*** عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف. قم: نشر المعروف.
- کورانی عاملی، علی. (۱۴۳۸ق). ***السیرة النبویة عند اهل البیت*** علیهم‌السلام. قم: دارالنشر المعروف.
- کوفی، محمد بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). ***مناقب الامام امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب*** علیه‌السلام. قم: مجمع احیای فرهنگ اسلامی.
- گنجی شافعی، محمدبن یوسف. (۱۴۱۴ق). ***البیان فی اخبار صاحب‌الزمان***. بیروت: داراحیاء تراث اهل‌البیت.

- متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام‌الدین. (۱۴۱۹ق). ***کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال***. تحقیق: محمود عمر الدمیاتی. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). ***کتاب رجعت***. تحقیق: سیدحسین موسوی. قم: دلیل ما.
- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). ***بحارالانوار***. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۷). ***حکمت‌نامه بسیج***. قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۱). ***اهل‌بیت علیهم‌السلام در قرآن و حدیث***. ترجمه: حمیدرضا شیخی و حمیدرضا آژیر. قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۳). ***دانش‌نامه امام مهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف بر پایه قرآن، حدیث و تاریخ***. قم: دارالحدیث.
- محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۹۵). ***دانش‌نامه قرآن و حدیث***. قم: دارالحدیث.
- منتظری، حسینعلی. (۱۳۸۰). ***نظام الحکم فی الاسلام***. قم: هاشمیون.
- منتظری، حسینعلی. (۱۴۱۵ق). ***دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الاسلامیة***. قم: نشر تفکر.
- موسوی خمینی، سید روح‌الله. (۱۳۹۳). ***صحیفه***. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمه‌الله‌علیه.
- موسوی خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۴۰۳ق). ***معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة***. قم: مدینة العلم.
- ناصری، محمدامیر و تسخیری، محمدعلی. (۱۴۲۶ق). ***الاحادیث المشترکه حول الامام المهدی عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف***. تهران: المجمع العالمی للتقریب بین المذاهب الاسلامیة.
- ناظم الاسلام کرمانی، میرزا محمدآباد. (۱۳۲۹ق). ***علائم الظهور***. چاپ سنگی.
- نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۳۶۵). ***رجال***. تحقیق: سیدموسی شبیری زنجانی. قم: مؤسسة النشر الاسلامی.
- نعمانی، محمدبن ابراهیم. (۱۴۰۳ق). ***الغیبة***. بیروت: مؤسسة الاعلمی للمطبوعات.
- یزدی حائری، علی. (۱۴۲۲ق). ***الزام الناصب فی اثبات حجة الغائب عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الشریف***. تصحیح: علی عاشور. بیروت: مؤسسة الاعلمی.